

دکتر رحمان عشریه<sup>۱</sup>

حمید مروجی طبسی<sup>۲</sup>

#### چکیده

آگاهی از راهکارهای قرآنی جهت اعتلای فرهنگ جوامع اسلامی کنونی با رویکرد جهاد کبیر، اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که برخورد‌های متنوع قرآن با فرهنگ موجود جامعه، برای رعایت استقلال و اقتدار جامعه اسلامی در همه زمینه‌ها، به ویژه فرهنگ بوده است.

جهاد کبیر از جمله فرمان‌های فرهنگی قرآن، به عنوان مجموعه‌ای از راهکارهای قدرت نرم است که در عرصه فرهنگ، به رد یا اصلاح آن می‌پردازد. فرهنگ، درک و باور انسان‌ها و روحیات آنها در زندگی است. مؤلفه‌های فرهنگ را در چهار بخش «عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها» بر شمرده‌اند. از میان اقوال گوناگون مفسران در مرجع ضمیر «ه» در آیه جهاد کبیر، به عنوان ابزار انجام این جهاد، ابزار «عدم اطاعت از کافران» به عنوان نظر برگزیده، انتخاب شد.

نتیجه جهاد کبیر از طریق مخالفت با کافران در هر یک از مؤلفه‌های فرهنگ عبارتست از:

بخش اصول عقاید: خداوند یگانه، خالق هدف‌دار جهان و انسان، نزاده و زاییده نشده، دین را توسط برگزیدگانی از جنس بشر به انسان رسانده و سرای آخرت را برای مشاهده نتیجه اعمال به وجود آورده است.

در بخش ارزش‌ها: مفاهیمی همچون جهاد، دینداری، عدالت، آزادی انسان، منزلت زن، تشکیل حکومت و استقلال آن، بر سر می‌شد. برخی از هنجارهای رسمی و سنتی، مانند فرزندخواندگی و طلاق ظهار که در جاهلیت رعایت می‌شد، توسط قرآن رد شد. برخی نمادها همچون کعبه و مسجد در اسلام ارتقای ارزشی یافتند. مجاهدان عرصه جهاد کبیر، باید با رهایی از هرگونه وابستگی و پیروی، فرهنگ مقاومت را در خود و جامعه نهادینه نمایند؛ در راه استخراج و طرح نظریات فرهنگی با توکل بر خداوند و اعتماد به تحقق وعده‌های الهی، تقوایی‌بستگی، خستگی‌ناپذیری و قاطعیت، استقامت کنند.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، جهاد کبیر، قدرت نرم، فرهنگ، مؤلفه‌ها، ابزار.

---

<sup>۱</sup>. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم Hamrt62@yahoo.com

## ۱- طرح مسئله

تالکوت پارسونز، از جامعه‌شناسان آمریکایی قرن بیستم، جامعه انسانی را به عنوان یک نظام کنش به چهار بخش تقسیم کرد: نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی. (هاشمی، اسماعیل‌زاده، قوامی، ۱۳۹۱) این نظام‌های چهارگانه، ساختار جامعه بشری را تشکیل می‌دهد که مطالعه در خصوص هر یک از آنها، امکان ایجاد تحول و پیشرفت جامعه انسانی را در پی خواهد داشت. در این میان، فرهنگ که تعاریف متنوعی از آن ارایه شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آنچه نوشتار پیش رو مد نظر دارد، بررسی راهکارهای قرآنی جهت اعتلای فرهنگ جوامع اسلامی کنونی با رویکرد جهاد کبیر است، چرا که این اعتقاد وجود دارد که برخوردهای متنوع قرآن مجید با فرهنگ موجود جامعه، برای رعایت استقلال و اقتدار جامعه اسلامی در همه زمینه‌ها، به ویژه فرهنگ بوده است.

از میان پژوهش‌های موجود در این موضوع، می‌توان به مقاله «راهکارهای صیانت فرهنگ جامعه اسلامی در برخورد با فرهنگ‌های بیگانه از نگاه قرآن و روایات» اشاره کرد که در شماره ۷۷ ماهنامه معرفت توسط آقای علی اسدی به رشته تحریر درآمده است. همچنین خانم سلما زابلی نیا در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «جهاد علمی و فرهنگی از منظر قرآن» به بررسی این جهادها از منظر قرآن پرداخته و آنها را یک مبارزه سازنده الهی برای هدایت، تعلیم و تعلم بشریت و تطمیع دشمنان معرفی کرده، همچنین به بررسی کارایی و کارآمدی این جهاد در پیشرفت جامعه اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی استکبار پرداخته است.

اما این تحقیقات و پژوهش‌ها، هیچ‌کدام رویکرد جهاد کبیر را مد نظر قرار نداده‌اند. با عنایت به این سابقه، پژوهش حاضر، با استناد به آیات و مفاهیم قرآن کریم و به روش کتابخانه‌ای، با هدف استخراج راهکارهای کسب روحیه جهادی و چگونگی ارتقای فرهنگ جامعه با رویکرد جهاد کبیر، به بررسی جایگاه این اندیشه در حوزه فرهنگ می‌پردازد.

## ۲- مفهوم‌شناسی

### فرهنگ

فرهنگ که از پیشوند «فر» در کنار واژه «هنگ» به معنی کشیدن تشکیل شده، (دهخدا) به معنی علم و دانش، تربیت و ادب، عقل و خرد، تدبیر و چاره آمده است. (معین)

دانشمندان عرصه‌های گوناگون علوم اجتماعی در تعریف اصطلاحی فرهنگ، معانی متفاوتی را بیان کرده‌اند که برخی محققان، آنها را تا بیش از ۱۶۰ تعریف شمرده‌اند که البته دلیل تعدد تعاریف، تنوع زوایای نگاه به فرهنگ است. (جعفری، ۱۳۸۵: ۹) برخی متفکران معتقدند تعریف فرهنگ کار آسانی نیست و شاید در هیچ کتابی هم نتوان به تعریف دقیق و قانع‌کننده‌ای از آن دست یافت. آنان دلیل این دشواری را دوانیده‌شدن رگه‌های فرهنگ در تمام شؤون زندگی انسان می‌دانند که نمی‌توان بر نقطه خاصی اشاره نمود. (اسلامی ندوشن، مقدمه چاپ دوم)

به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان، در تعاریف ارائه شده برای فرهنگ می‌توان شش نوع نگاه عمده به فرهنگ را از یکدیگر متمایز ساخت. تعاریف توصیفی، تاریخی، هنجاری، روانشناسانه، ساختاری و تکوینی از انواع اصلی این رویکردهاست که

در درون هر یک از این رویکردهای اصلی می‌توان بر اساس تفاوت‌های دیگری، رویکردها و گروه‌های فرعی را نیز شناسایی نمود. (کاشانی، سالار)

مشهورترین معنایی که برای فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد، از ادوارد تایلر، مردم‌شناس انگلیسی بیان شده است. از نظر وی، فرهنگ، مجموعه کاملی از دانش، عقاید، هنر، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و عاداتی است که توسط انسان به عنوان عنصری از جامعه کسب می‌گردد. (جعفری، ۱۳۸۵: ۶۵) البته بر این تعریف نیز مانند تعاریف دیگر، نقدهایی وارد شده از جمله اینکه در این تعریف، تمایز میان فرهنگ و تمدن، لحاظ نشده است. (گوهری‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

برخی جامعه‌شناسان مسلمان، ساخته‌ها و اندوخته‌های انسانی را مشترک میان فرهنگ و تمدن دانسته‌اند که اگر آنها را در حوزه معنویات در نظر گیرند، فرهنگ نام دارد و چنانچه در دایره مادیات دانسته شوند، تمدن خوانده می‌شود.<sup>۵</sup> (شریعتی، الف)

از مجموع و برآیند تعاریف می‌توان این تعریف را برای فرهنگ در نظر گرفت: «فرهنگ عبارت است از آن درک، برداشت، فهم، معتقد و باور انسان‌ها و روحیات و خلقیات آنها در زندگی که انسان را به کار وادار می‌کند.» (جعفرزاده، ۱۳۹۳: ۲۸/۲)

### مولفه‌های فرهنگ

فرهنگ را در قالب چهار مؤلفه عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها مورد بررسی قرار داده‌اند: عقاید، صورت‌های ذهنی در مورد موجودات هستند. ارزش‌ها، مواردی هستند که برای جامعه مطلوب‌اند. ارزش‌ها و عقاید بر اساس موضوع به چهار دسته فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. هنجار به معنی استانداردهای رفتاری قابل قبول درون یک گروه است که اعضای گروه آن را رعایت می‌کنند. نمادها نیز عینی‌ترین مولفه فرهنگ هستند و به عبارت دیگر، نمادهای عینی ارزش‌ها، هنجارها و عقایدند که بر اساس موضوع به نماد فرهنگی مثل زبان، نماد اجتماعی مثل نشانه‌های قومی و نماد سیاسی مثل پرچم تقسیم می‌شوند. نمادها از یک اجتماع دیگر و از زمانی به زمان دیگر ممکن است دچار تحول شوند. (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۱)

بر اساس تعاریف فرهنگ و توضیحاتی که پیش از این گذشت، می‌توان برای فرهنگ، برخی ویژگی‌ها، اوصاف و خصائل را برشمرد. این اوصاف عبارتند از: انسان‌مدار و جامعه‌زاد بودن، چندلایه‌گی، منظم‌وار بودن، پیچیدگی و تنیدگی، روشمندی، پایداری، تطورپذیری در عین برخورداری از عناصر ثابت، رسوخ در همه عرصه‌ها و امور یک جامعه. (رشاد، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰: ۱۱)

### ۳- جهاد کبیر

در سال‌های ابتدایی رسالت حضرت محمد (ص)، به سبب کمی نیروی انسانی و از سویی نوپایی دین اسلام و از سوی سوم، امید به هدایت مردمان با استفاده از نیروی عقل و اندیشه، امکان شرکت در جنگ نظامی برای مسلمانان وجود

۵. دکتر علی شریعتی فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی». همچنین در تعریف تمدن آورده: «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی». البته ایشان در جای دیگر، بعد زمانی را به فرهنگ و تمدن می‌دهد و آنها را چنین تعریف می‌کند: فرهنگ عبارتست از «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی یک قوم یا نژاد یا ملیت خاص در طول تاریخ» و تمدن عبارتست از «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی در طول تاریخ انسان». (شریعتی، ب).

نداشت. البته با گسترش کمی و کیفی نیروهای اسلامی و روشن شدن عناد مخالفان اسلام، جهاد نظامی در مدینه بر مسلمانان واجب شد.

لفظ جهاد بر اساس ترتیب نزول، برای اولین بار در آیه ۵۲ سوره فرقان استفاده شد. زمان نزول این سوره مکی، در حدود سال‌های سوم تا پنجم بعثت، تخمین زده می‌شود. این سال‌ها، از سویی سال‌های ابتدایی بعثت، از سوی دیگر، اولین سال‌های دعوت عمومی پیامبر (ص) و از سوی سوم، سال‌های سختی مسلمانان بوده که منجر به هجرت به حبشه در سال پنجم بعثت شد. این سوره، به ترتیب مصحف بیست و پنجمین سوره و به ترتیب نزول، چهل و دومین سوره‌ای است که بر رسول خدا (ص) نازل شد. (بهجت‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۹/۳)

با عنایت به موارد پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت مراد الهی از جهاد در سوره فرقان، جنگ نظامی نبوده، بلکه هرگونه مقاومت غیرنظامی در برابر دشمنان، این جهاد را تأمین می‌کرد.

### معنای لغوی و اصطلاحی

واژه جهاد از ریشه جهد یا جهد به معنی مشقت و سختی، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳۳/۳) نیرو و توان، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۸۶/۱) تلاش و کوشش بسیار در راه رسیدن به هدف (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۱۲) است. این کلمه به شکل صیغه مبالغه و مفهوم جنگ با کفار (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۱۹/۱) را در خود جای داده است.

کبیر از ریشه کبر گرفته شده و معنای «بزرگی» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۵) دارد. این واژه از اسمای الهی و به معنی عظیم‌القدر است و در غیر خدا، معنی رییس و رهبر دارد. (قرشی، ۱۳۷۱: ۷۳/۶-۷۲) کبیر، در کمیت متصل و منفصل به کار می‌رود، گاهی نیز به اعتبار زمانی که در آن است، گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۶)

مفهوم اصطلاحی جهاد کبیر، از توجه در ادبیات دینی برمی‌آید که در آن از سه نوع جهاد، نام برده شده است: الف) جهاد اصغر درباره جنگ نظامی؛ نقل است که پیامبر اکرم (ص) به گروهی از مسلمانان که از جنگ بازمی‌گشتند، فرمودند: «آفرین بر آنان که جهاد اصغر را به انجام رساندند.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۵)

ب) جهاد اکبر در جهت مبارزه با نفس؛ رسول خدا (ص) پس از تحسین مجاهدان عرصه نظامی، آنان را تذکر می‌دهد که جهاد اکبر باقی مانده است و در پاسخ به این پرسش که «آیا جهادی بالاتر از جهاد نظامی وجود دارد؟» فرمود: «بله، جهاد انسان با نفس خویش.» (منسوب به علی بن موسی، ۱۴۰۶: ۳۸۰) و در عبارت دیگری ادامه دادند: «بالاترین جهاد، مبارزه با نفس انسان است که بین دو پهلویش می‌باشد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۶۷)

ج) جهاد کبیر که از آن تحت عنوان جهاد فرهنگی یاد می‌شود. از این جهاد، در آیه ۵۲ سوره فرقان نام برده شده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»؛ که به پیامبر اکرم (ص) دستور داده می‌شود ضمن عدم اطاعت از کافران با آنان جهاد کبیر انجام دهد.

### ابزار جهاد کبیر

مفسران قرآن کریم در شرح و تبیین مرجع ضمیر «ه» در آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (فرقان/۵۲)» که در واقع ابزار انجام جهاد کبیر است، اقوال و وجوهی را مطرح نموده‌اند؛ البته برخی به صورت کلی، آن را به استفاده از هر وسیله مادی یا عقلی برگردانده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۸۴/۱۹) و برخی نیز استفاده از ابزار خاصی را مطرح کرده‌اند. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۵۰/۲)

## خداوند و یاری الهی

برخی از مفسران، «الله» را مرجع ضمیر می‌دانند و آن را به توفیق و مدد الهی تعبیر کرده‌اند. نسفی از مفسران قرن هفتم در تفسیری که بر قرآن کریم نوشته، چنین آورده: «وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ اٰی بِاللّٰهِ، یعنی بعونه و توفیقه». (نسفی، ۱۴۱۶: ۳/۲۵۰) مظهري از مفسران قرن سیزدهم در میان اهل سنت نیز این نظر را در میان احتمالات آورده است. (مظهري، ۱۴۱۲: ۴۲/۷)

## اسلام

گروهی از مفسران، ضمن بیان احتمالات مختلف در تعیین مرجع ضمیر، دین و اسلام را نیز یکی از وجوه دانسته‌اند. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴/۹۴، ماوردی، بی تا: ۴/۱۵۰، میبدی، ۱۳۷۱: ۷/۴۸، ابوحنیان، ۱۴۲۰: ۸/۱۱۷، نجوانی، ۱۹۹۹: ۲/۳۱، زحیلی، ۱۴۲۲: ۲/۱۸۰۶ و...) آنان گاهی در بیان این نظر به نقل روایات متمسک شده‌اند؛ ابن ابی حاتم، (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۸/۲۷۰۷) طبری (طبری، ۱۴۱۲: ۱۹/۱۵) و برخی از مفسران دیگر، در روایتی که به ابن زید ختم می‌شود، اسلام را به عنوان وسیله جهاد کبیر معرفی کرده‌اند.

## پیامبر و ائمه اطهار (ع)

برخی از اقوال تفسیری، وسیله انجام جهاد کبیر را اهل بیت (ع) یا یکی از آنان معرفی کرده‌اند. گروهی از مفسران، از جمله زمخشری، نسفی و آلوسی در تفاسیر خود با توجه به وظیفه جهانی پیامبر (ص) در انداز مردم، وجود ایشان را وسیله جهاد کبیر دانسته‌اند؛ آنان چنین استدلال کرده‌اند که اگر بر اساس آیه «وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا» (فرقان/۵۱)؛ اگر می‌خواستیم، به هر قریه‌ای بیم‌دهنده‌ای می‌فرستادیم. در هر منطقه‌ای، یک پیامبر مبعوث می‌شد، آن پیامبر فقط در همان منطقه وظیفه انداز و مجاهدت داشت، اما اکنون که وظیفه انداز همه مردم بر عهده پیامبر اکرم (ص) گذاشته شده، پس همه نوع جهادی بر گرده ایشان نهاده شد و جهاد کبیر و جامع نیز باید توسط ایشان به کار گرفته شود. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۳۳، نسفی، ۱۴۱۶: ۳/۲۵۰، زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۲۸۶) همچنین در تفسیر عرفانی «بیان السعاده»، حضرت امام علی (ع)، وسیله انجام جهاد کبیر معرفی شده است: «وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ... اَوْ بَعْلِیَّ (ع)». (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳/۱۴۵)

## نوع رفتار و برخورد

دسته‌ای از آرای تفسیری، نحوه تعامل و برخورد با دشمنان را ابزار جهاد کبیر مطرح کرده‌اند. زجاج، از جمله مفسران اهل سنت در قرن چهارم است که با توجه به آخرین کلمه آیه قبل «وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا» (فرقان/۵۱)؛ اگر می‌خواستیم، به هر قریه‌ای بیم‌دهنده‌ای می‌فرستادیم.، انداز را وسیله جهاد کبیر معرفی کرده است. (زجاج، ۱۴۲۰: ۵۶۴/۲)

## ابزار جنگی

گروهی از مفسران به عنوان احتمال، یکی از ابزار ممکن برای جهاد کبیر را ابزار جنگی و از جمله آنها، شمشیر دانسته‌اند، (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۳/۸۰، میبدی، ۱۳۷۱: ۷/۴۲، ابوحنیان، ۱۴۲۰: ۸/۱۱۷ و...) البته گاهی پس از بیان این وجه، به مکی بودن سوره فرقان، عدم نزول دستور جهاد نظامی و دور از ذهن بودن وجه مذکور اشاره کرده‌اند. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۹۴/۴ و قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳/۵۸)

## قرآن کریم

بر اساس بخش زیادی از آرای تفسیری مفسران، مرجع ضمیر، قرآن کریم است. به این مسئله می‌توان ذیل آیه مد نظر، در کتب تفسیری شیعی و اهل سنت که در اعصار مختلف با روش‌ها و گرایش‌های متفاوت تألیف شده، دست یافت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۳/۷، ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۴۱/۱۴، کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۷۹/۴، عروسی حویزی: ۱۴۱۵: ۲۲/۴، طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۸/۱۵، میبدی، ۱۳۷۱: ۴۸/۷، ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲۱۳/۴، ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۱۷/۸، شاذلی، ۱۴۱۲: ۲۵۷۲/۵، ابن عاشور، بی تا: ۷۵/۱۹، زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۸۰۶/۲...) با پذیرش این نظر و با رجوع به روش‌های اشاره شده در سوره نحل برای مقابله غیرنظامی با دشمنان، سه راه اصلی یافت می‌شود: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل/۱۲۵)؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن. زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر است و هدایت‌یافتگان را بهتر می‌شناسد». این سه راه که عبارتند از: به کارگرفتن حکمت، اندرزهای نیکو و مناظره.

حکمت در لغت به معنای عدل (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴۳/۱۲) آمده و در اصطلاح یعنی رسیدن به حق با استفاده از علم و عقل. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۹) از نظر مفسران، نخستین گام در دعوت به سوی حق، استفاده از منطق صحیح و استدلال‌ات روشن با هدف تحریک و بیدار ساختن عقل‌های خفته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۵/۱۱) وعظ، اندرز دادن، (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۸/۷) و ادار نمودن به چیزی همراه با بیم‌دادن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷۶) و ترساندن از سوء عاقبت (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۹۲/۴) است. می‌توان موعظه را راهنمایی به سوی حق با تذکرات مفید و هشدارهای مناسب و سودمند، (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۶۴/۱۳) دانست.

جدال عبارتست از مناظره و مقابله دو حجت با یکدیگر. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۵/۱۱) برخی مفسران، جدال احسن را سومین گام و مخصوص کسانی می‌دانند که ذهنشان، انباشته از مسایل نادرست شده و فقط از طریق مناظره می‌توان ذهن آنها را خالی کرد تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند. بدیهی است مجادله و مناظره نیز هنگامی مؤثر می‌افتد که «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» باشد، حق و عدالت، درستی، امانت، صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هر گونه توهین، تحقیر، خلاف‌گویی و استکبار خالی باشد و جنبه‌های انسانی آن حفظ شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۷/۱۱-۴۵۶)

## عدم اطاعت از کافران

گروه دیگری از آرای تفسیری، مرجع ضمیر را عدم اطاعت و فرمان‌بری از دشمنان، کافران و مشرکان می‌دانند. این دسته از نظرات را نیز همچون دیدگاه قبلی، در کتب تفسیری که با روش‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری در زمان‌های گوناگون توسط مفسران شیعی و اهل سنت به رشته تحریر درآمده، می‌توان مشاهده کرد. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۶۵/۶، فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۸۷۱/۲، کاشانی، ۱۴۱۰: ۹۶۰/۲، گنابادی، ۱۴۰۸: ۱۴۵/۳، حسینی شاه عبدالعظیمی: ۱۳۶۳، ۳۵۳/۳، سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۱۵۵/۵، نیشابوری، ۱۴۱۶: ۲۵۰/۵، مظهری، ۱۴۱۲: ۴۲/۷، آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۳/۱۰، زحیلی، ۱۴۱۸: ۷۸/۱۹)

## مؤلفه‌های تحقق جهاد کبیر

با مطالعه تاریخ صدر اسلام (به ویژه پیش از نزول سوره فرقان)، مشاهده می‌شود که امر به دست کشیدن از آیین الهی و نهی از دعوت به دین اسلام (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۲۹/۱-۲۳۰) و پیشنهاد‌های مالی و مادی توسط مشرکان مکه به حضرت رسول (ص) (ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۰۷: ۶۳/۳) در صدر فعالیت‌های آنان بوده که قرآن کریم، در سوره فرقان با دستور به عدم اطاعت از کافران، در حقیقت مبارزه غیرنظامی را علنی کرده است. البته همین عدم اطاعت از کافران و مخالفت با

دشمنان، دستوری قرآنی است که بر این اساس، قرآن کریم می‌تواند حلقه بزرگتر در جهاد کبیر باشد، یعنی جهاد کبیر باید بر مبنای قرآن و با عدم اطاعت از کافران و دشمنان تحقق یابد.

بر اساس اینکه ابزار جهاد کبیر، عدم اطاعت از کافران باشد، لازم است مجاهدان این عرصه، ابتکار عمل را به دست گیرند و خود را از هرگونه وابستگی و پیروی برهاند و فرهنگ مقاومت را در خود و جامعه نهادینه نمایند؛ هرچند بدیهی است که بهترین و برترین وسیله‌هایی از وابستگی، بازگشت به قرآن کریم و استفاده از رهنمودهای همه‌جانبه این کتاب شریف است.

برای نیل به این مقصود، مرور مفاهیم و عبارات قرآن کریم این راه را نمایان می‌سازد که بایستی دشمن را شناخت از دوستی با دشمنان پرهیز نمود. (آل عمران/۲۸) همچنین با اعتماد به تحقق وعده‌های الهی از جمله: غلبه نهایی حق بر باطل (یونس/۸۲)، حمایت و دفاع الهی از مؤمنان (عنکبوت/۶۹)، تصفیه منافقان (آل عمران/۱۷۹) و... که به عنوان یک مبنا برای تحقق جهاد کبیر در نظر گرفته می‌شود، می‌توان در راه استخراج و طرح نظریات فرهنگی با توکل بر خداوند، (یونس/۷۱) تقوای پیشگی، (احزاب/۱) خستگی‌ناپذیری و قاطعیت، (احزاب/۴۸) تلاش و استقامت (احقاف/۱۳) نمود و در واقع مهندسی فرهنگی را بر مبنای قرآن کریم و سنت معصومان (علیهم السلام) طراحی کرد. بدین ترتیب، استقلال جامعه اسلامی (کهف/۵۱) و اقتدار امت اسلامی (انفال/۶۰) تأمین و تضمین خواهد شد و از این طریق، برتری و تسلط دشمنان نیز قطع می‌شود. (نساء/۱۴۱)

### قدرت نرم

این اصطلاح از نگاه پرفسور مولانا به معنی قدرت نامحسوس و طبق تعریف جوزف نای،<sup>۶</sup> شیوه‌ای است برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس. (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۷)

قدرت نرم در برابر جنگ نرم مطرح می‌شود؛ جنگ نرم، استفاده دقیق و برنامه‌ریزی شده از قدرت نرم علیه نظام‌های سیاسی مورد هدف، به منظور تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های بنیادین و با هدف دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. (نائینی، ۱۳۸۹: ۷)

هدف از جنگ نرم، بی‌ثبات‌سازی یا براندازی نرم در کشور مورد تهاجم است که معمولاً از راه مشروعیت‌زدایی و بحران‌سازی در کشور مورد حمله دنبال می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۲: ۳۷) بر این اساس، اقداماتی که برای مصونیت‌بخشی نسبت به این تهاجم صورت می‌گیرد، قدرت و دفاع نرم نام می‌گیرد.

جنگ نرم در مقابل جنگ سخت مطرح شده است. در فرآیند اعمال قدرت سخت، آنچه بیش از دیگر ابزارها مورد استفاده قرار گرفته، ابزار نظامی است، اما در جنگ نرم از ابزارهای فرهنگی استفاده می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۲: ۳۵) در این جنگ، مجموعه‌ای از روش‌ها به کار می‌رود که بسیاری از آنها، همزمان بوده و دارای هم‌پوشانی با یکدیگر هستند. مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های جنگ نرم، شامل دو روش اصلی گفتاری و رفتاری است. (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۹)

با در نظر داشتن موارد پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت جهاد کبیر، بسته کامل و جامعی از راهکارهای غیرنظامی مقابله با دشمنان (قدرت نرم) است که جامعه اسلامی را در برابر هرگونه تهاجم و تسلط غیرنظامی، مصون می‌سازد؛ چرا که با عنایت سیاق آیات مکی، عمومیت جهاد در آیه مد نظر شامل هر نوع جهاد غیرنظامی می‌شود.

### نحوه مواجهه قرآن کریم با فرهنگ موجود

در خصوص چگونگی برخورد قرآن کریم با فرهنگ جامعه زمان نزول، سه نوع مواجهه بیان شده است:

<sup>۶</sup> Joseph Nye.

الف) برخورد اثباتی و استفاده از عناصر مثبت فرهنگی برای رسیدن به مقاصد عالی و برقراری ارتباط با مخاطبان؛  
ب) برخورد اصلاحی با عناصر مثبتی از فرهنگ موجود که ریشه در ادیان الهی داشته یا موافق عقل و فطرت بوده اما در اثر مرور دچار تحریف یا انحراف شده؛

ج) برخورد انکاری با عناصر منفی و خرافات از فرهنگ موجود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۶۴-۷۰)

### جهاد کبیر در حوزه فرهنگ

از جهاد کبیر در حوزه فرهنگ، تحت عنوان جهاد فرهنگی نیز نام برده شده است. چگونگی انجام جهاد کبیر فرهنگی، باید در هر یک از اجزا و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ بر اساس قرآن کریم بررسی شود و راه کارهای آن کتاب شریف و راهنمای سعادت در خصوص آن اجزا استخراج و ارایه گردد. مباحث آتی، این وظیفه را برعهده دارد بر اساس عدم اطاعت از کافران آنها را تبیین می نماید.

چنانچه در بخش های تعریف فرهنگ و مؤلفه های آن بیان شد، اجزای فرهنگ عبارتند از: عقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادها. برهمین اساس، چگونگی انجام جهاد کبیر در ابعاد چهارگانه در ادامه مطرح می شود.

### جهاد کبیر در بخش عقاید

پیش از این بیان شد که عقاید، نوع نگاه و تصور درباره وجود و موجودات است. از آنجا که بنای جهاد کبیر بر عدم اطاعت از کافران چیده شد، می توان با دریافت شاخصه های عقیدتی آنان که در قرآن کریم ذکر شده، با آنها مقابله نمود و به دیدگاه صحیح قرآنی درباره موجودات دست یافت.

اصول عقاید اسلامی عبارتند از: توحید، نبوت، معاد. بر پایه این اصول، دیدگاه کافران در هر یک از عناصر فوق که در قرآن کریم از آنها یاد شده، چنین است:

گروهی از کافران، اساساً منکر وجود خدا هستند، (نساء/۱۵۰-۱۵۱) عده ای انسانی را خدا می دانند، (مائده/۷۲) برخی به دو خدا (مائده/۱۱۶) و بعضی به سه خدا (مائده/۷۳) اعتقاد دارند، دسته ای نیز بت پرستی می کنند (شعراء/۷۱) یا شراکت را برای خدا قائل شده اند. (زمر/۳) گروهی نیز زاد و ولد را به خدا نسبت داده اند. (صافات/ ۱۵۱-۱۵۲)

از نظر برخی کفار، جهان بدون هدف (مؤمنون/۱۱۵) و خود به خود به وجود آمده و خالق نداشته است. (طور/۳۵) انسان هم منحصر در همین بدن مادی است و پس از مرگ، از بین می رود. (جاثیه/۲۴)

بعضی از کافران برانگیخته شدن پیامبران را انکار می کنند. از نظر آنان، این مسئله که فردی از میان انسان ها (انبیاء/۳) که مانند آنها تغذیه کند و راه برود یا ملکی او را همراهی نکند، (فرقان/۷) برای هدایت آنان مبعوث نمی شود. کافران تصور می کنند پیامبر باید گنج های فراوانی برایش فرود آید یا از میوه های باغ های خاص استفاده کند. (فرقان/۸) برخی از کفار نسبت های ناروای جنون و شاعری، (صافات/۳۶) ساحری (ص/۴) یا کاهنی (طور/۲۹) را به پیامبران می دادند. دسته ای از کفار وحی را خواب های پریشان یا دروغ و شعر می دانستند (انبیاء/۵) و بعضی از آنان نسبت به قرآن کریم نظر داشتند که این کتاب اسطوره است، (فرقان/۵) گروه های دیگر نیز نسبت به عدم نزول دفعی آن ایراد می گرفتند، (فرقان/۳۲) نزول آن را از جانب خداوند انکار می کردند و آن را دروغی می دانستند که به خدا بسته شده و دیگران را هم دست پیامبر (ص) در تهیه آن معرفی می کردند. (فرقان/۴)

در صورت انجام مخالفت با اندیشه های کافران، خداوند یگانه، خالق هدف دار جهان و انسان است که نزاده و زاییده نشده، سرای آخرت را برای مشاهده نتیجه اعمال به وجود آورده است. انسان در قالب جسم و روح، برای رسیدن به سعادت، نیازمند راهی مستقیم و برنامه کاملی است که خالق هستی آن را از طریق برگزیدگانش به عنوان دین ارائه کرده باشد.



این برگزیدگان لازم است سالم و از جنس بشر باشند تا به عنوان الگوی کامل بتوانند راهنمای انسان‌ها باشند و رفتار و گفتارشان مؤثر افتد.

آنچه پیامبر خاتم (ص) به عنوان راهنمای سعادت بشریت ارائه کرده، قرآن کریم است که از جانب خدای سبحان، توسط جبرئیل امین (ع) بر قلب حضرت رسول (ص) به صورت تدریجی وحی شده تا آرام آرام بر دل‌ها بنشیند و امکان عمل به دستورات و برنامه‌های آن فراهم آید.

### جهاد کبیر در بخش ارزش‌ها

چنانچه از ظاهر لفظ ارزش برمی‌آید، اموری که برای اعضای گروه یا جامعه مهم، مطلوب، مناسب، پسندیده و خوب باشد، ارزش نام دارند. چنانکه قبلاً نیز بیان شد، ارزش‌ها بر اساس موضوع به چهار دسته فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. بر پایه این اطلاعات، برخی از مفاهیمی که در فرهنگ اسلامی دارای ارزش شناخته شد یا با ظهور اسلام، جهت‌دهی ارزشی به آن مفهوم انجام شد، با عنایت به چهار دسته فوق، عبارتند از: جهاد و شهادت، توحید و دینداری، عدالت، کرامت و آزادی انسان، تعالی منزلت زن، تشکیل حکومت اسلامی و استقلال آن.

آنچه در خصوص این موضوعات پی گرفته می‌شود، جهاد کبیری است که با عدم اطاعت از کافران و مشرکان جامعه جاهلی در دسترس جامعه اسلامی قرار داده شده است.

جنگ‌های قبیله‌ای در دوران جاهلی با دلایل واهی و گاهی برای مدت‌های طولانی وجود داشت، (جعفریان، ۱۳۸۲: ۳۲۲) اما شرع مقدس اسلام با وارد کردن مفهوم جهاد و شهادت و تقدیس آن‌ها به نزاع‌ها جنبه ارزشی و عقیدتی داد. از سوی دیگر، برای نبردهای میان دو جمع مسلمان، راهکار میانجگری جهت قطع جنگ ارایه داد، ولی این نکته را هم گوشزد نمود که اگر یکی از طرفین نزاع، بر موضع نادرست خود پافشاری کرد، وظیفه اقوام و ملل دیگر مسلمان است که علیه او تا بر جان‌شاندنش مبارزه نمایند. (حجرات/۹)

شرک و بت پرستی، آیین رایج جاهلیت بود، (مقدسی، بی تا: ۳۱/۴) اما دین مبین اسلام با نقد و رد اندیشه‌های خرافی دوگانه پرستان، (نحل/۵۱) سه‌گانه پرستان، (مائده/۷۳) بت پرست‌ها، (عنکبوت/۱۷) و تفکرات منحرف شده یهود و نصارا (توبه/۳۰) به رواج فکر سالم توحیدی پرداخت و دینداری را ارزشمند ساخت و اعلام نمود که تنها دین مورد پذیرش، اسلام و تسلیم درگاه الهی بودن است. (آل عمران/۱۹)

جایگاه عدالت در تمام زمینه‌ها با بروز و رشد اسلام، ارتقا یافت. خداوند متعال در آیه هشتم از سوره مائده نسبت به اقامه عدل در جامعه (مائده/۸) و در آیه مبارکه سوم از سوره نساء، عدالت را درباره زنان در امر ازدواج خواستار شد. همچنین با فرمان پرداخت زکات و صدقات واجب (بقره/۴۳) و مستحب (توبه/۶۰) و تقدیر از در نظر گرفتن نیازمندان در اموال، (ذاریات/۱۹) بسط عدالت اقتصادی را هدف گرفت. بدینسان با خوی اشرافی‌گری، خشونت و ناعدالتی موجود در جامعه جاهلی (سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۰) به مبارزه برخاست.

آزادی انسان در دوران جاهلیت برای همگان، به طور یکسان، توزیع نشده بود؛ به طوری که در فرهنگ جاهلیت به طبقه‌ای از جامعه به بردگی می‌پرداختند، به عنوان نیروی کار از آنها استفاده می‌شد، (واثقی راد، ۱۳۸۵: ۱۴۰) در حالی که از حقوق بسیاری محروم بودند و تنها حداقلی از خوراک و پوشاک در اختیارشان قرار می‌گرفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۱۵/۲۱) اما دین مبین اسلام، مسلمانان را ترغیب به آزاد نمودن بردگان تحت عناوین مختلف نمود، از جمله برخی کفارات را در این موضوع قرار دارد، (نساء/۹۲) از این طریق به مبارزه با برده‌داری پرداخت تا به تدریج، این فرهنگ

از جامعه اسلامی رخت برپست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۷۷/۲) از سوی دیگر، با ارزشمند دانستن نفس انسان، قتل، (اسراء/۳۳) فرزندکشی (اسراء/۳۱) و خودکشی (نساء/۲۹) را تحریم و قانون قصاص (بقره/۱۷۸) را وضع نمود. نگاه جامعه جاهلی به زنان، در حد کالا بود که همسر متوفی، اگر مادر وارث نبود، از ارث به شمار می‌آمد، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵۴/۴) همچنین به صورتی که قرآن مجید، آن دوران را به تصویر کشیده، آنان با شنیدن متولدشدن فرزند مؤنث خشمگین می‌شدند و رخسارشان به سیاهی می‌گرایید و دنبال چاره‌ای می‌گشتند که یا با ننگ، دخترانشان را نگهداری کنند یا زنده به گورشان می‌نمودند، (نحل/۵۸-۵۹) اما قرآن کریم با هشدار نسبت به بی‌گناهی دختران زنده به گور شده و سؤال از آنان در قیامت که به چه جرمی کشته شدند، (تکویر/۸-۹) در دل مرتکبان این جنایات ایجاد رعب و وحشت نمود؛ برای ازدواج و طلاق، قوانین مناسب وضع کرد، (نساء/۲۲، نور/۳۲، احزاب/۴۹، بقره/۲۴۱ و...) زنان را از حق ارث برخوردار نمود (نساء/۱۱) و با اینگونه اقدامات به تکریم زن و تعالی جایگاه و منزلت وی پرداخت.

نظام قبیله‌ای و حکومت‌های پراکنده در اندیشه جاهلی با ظهور اسلام، جای خود را به نظام ولایت و امامت سپرد و حکومت واحد مستقل از قدرت‌های روز، تحت لوای رهبری پیامبر اکرم (ص) با هدایت‌های الهی در قالب وحی شکل گرفت (مائده/۵۵ و ۶۷، حشر/۷ و...) و اندیشه تشکیل امت واحده اسلامی، خود را در ذهن‌ها مستقر نمود.

### مواجهه با دشمنان داخلی و خارجی

قرآن کریم در زمینه مقابله با دشمنان، ضمن معرفی شاخصه‌های دشمن و دشمنی همچون -سادت (بقره/۱۰۹) و گمراهی (آل عمران/۶۹)، جهاد اصغر را در مقابله نظامی با آنان ارایه کرده (توبه/۷۳) و از این طریق، فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی را در میان مسلمانان گسترده است.

قرآن کریم نحوه جهاد کبیر و برخورد غیر نظامی با آنان را در نهی از دوستی، (نساء/۸۹، آل عمران/۲۸، مائده/۵۷ و...) نهی از ارسال پیام دوستی، (ممتحنه/۱) آمادگی برای مبارزه، (یونس/۷۱) ایجاد مانع بر سر راه نفوذ فیزیکی دشمن (کهف/۹۳-۹۷) و نهایتاً جنگ و مبارزه (بقره/۱۹۳، نساء/۸۹ و...) معرفی می‌نماید.

معجزه پیامبر خاتم (ص)، همچنین راهکار صبر در برابر تکذیب‌ها و گفته‌های ناحق دشمنان و دوری‌گزینی از آنان در یک مرحله (مزل/۱۰) و در مرحله بعد هجرت (نساء/۹۷) را در برابر دشمنان داخلی، در صورتی که اکثریت جامعه را تشکیل دهند، مطرح نموده است تا عدم اطاعت از کافران، نمود یابد.

قرآن کریم در آیه ۹۷ سوره مبارکه نساء از گروهی نام می‌برد که به خویشتن ستم کرده‌اند و در قیامت در پاسخ به این سؤال فرشتگان که «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟» خود را از ارایه هرگونه دلیل و عذری ناتوان می‌بینند.

همچنین در آیه ۱۰ سوره مبارکه زمر و خطاب به مؤمنین راهکار هجرت با تذکر به وسیع بودن زمین و امکان نقل مکان و انجام مهاجرت برای دینداری بهتر اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۵۹، مشکینی، ۱۳۸۱: ۴۵۹، انصاریان، ۱۳۸۳: ۴۵۹)

می‌توان از این آیات نتیجه گرفت که انسان‌ها اگر توان داشته باشند و در فشار قرار گیرند، لازم است مهاجرت نمایند و خود را از صف ظالمان و کافران رهایی بخشند.

دکتر شریعتی معتقد است: در قرآن کریم هر جا از مهاجرت سخن به میان آمده، پس از ایمان به خداوند و پیش از امر به جهاد بوده است. آنگاه چنین نتیجه می‌گیرد که «اول ایمان، دوم رفتن از محیط برای آغاز مبارزه با محیط (رفتن برای برگشتن پیروزمندانه) و سوم بازگشت موفق و مسئول و مجهز (مؤمن شدن، مهاجر رفتن، مجاهد بازگشتن)». (شریعتی، ج)

## جهاد کبیر در بخش هنجارها

چنانچه پیش از این گذشت، هنجار به معنی استانداردهای رفتاری قابل قبول درون یک گروه است که اعضای گروه آن را رعایت می‌کنند. به عبارت دیگر هنجارها همان قوانین است که به دو گونه قابل تقسیم است؛ هنجارهای رسمی و هنجارهای سنتی. هنجارهای رسمی، قوانین و مقرراتی هستند که توسط حاکمان وضع شده و اعضای جامعه ملزم به رعایت آن‌ها هستند. اما هنجارهای غیر رسمی یا سنتی آداب و رسوم هستند که خود به خود و به صورت تدریجی از اتفاقات روزمره زندگی سرچشمه گرفته و خاستگاهی جز جامعه ندارد. (کاو، ۱۳۹۲) می‌توان از هر دو دسته از هنجارها که توسط کافران مراعات می‌شد، نشانه‌هایی در قرآن کریم یافت که دین مبین اسلام با آنها به مقابله برخاست. برای نمونه قوانین فرزندخواندگی و طلاق به شکل ظهار را که در جامعه جاهلی رعایت می‌شد، رد کرد. آنان فرزندخوانده را فرزندان خود می‌دانستند و ازدواج با همسر مطلقه یا بیوه وی را بر خود حرام کرده بودند. خداوند به پیامبر اکرم (ص) دستور داد با همسر مطلقه زید (فرزندخوانده حضرت)، ازدواج کند تا این قانون جاهلی از جامعه رخت بریندند. (احزاب/۳۷)

خداوند متعال برای رفع ظهار، ضمن استدلال عقلی، جریمه‌ای برای مرتکب آن در جامعه مسلمان نیز تعیین کرد. (مجادله ۲-۳) همچنین در طرد سنت بی‌حجابی زنان جاهلی به بانوان جامعه اسلامی تذکر داد که همچون دوران جاهلی، زینت‌های خود را آشکار نسازند. (احزاب/۳۳)

## جهاد کبیر در بخش نمادها

با ظهور دین مبین اسلام، برخی نمادها وارد فرهنگ جامعه اسلامی شد یا نمادهای موجود، معنای متفاوت گرفت؛ از جمله این نمادها عبارتند از: کعبه، مسجد، پرچم، شعر و شعار. در حقیقت، خداوند سبحان با دستورات و ارشادات قرآنی، راه عدم اطاعت از کفار و انجام جهاد کبیر را در زمینه نمادها و نمادسازی‌های اسلامی نمایان ساخت. کعبه که در دوران جاهلیت، مرکز تجمیع بت‌ها شده بود و هر قبیله‌ای بت مخصوص خود را به دیوارهای آن آویزان ساخته بود، با قدرت‌یافتن حکومت اسلامی از لوث وجود بت‌ها پاکسازی شد (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۴۶۱/۲) و در اندیشه اسلامی، محور وحدت مسلمانان قرار گرفت، به گونه‌ای که آنها در هنگام ادای فرائض و نوافل روزانه، رو به سوی کعبه می‌نمایند.

در فرهنگ اسلامی، مسجد به عنوان مرکز تجمع مسلمانان و محل گفت‌وگوها و تبادل آرا و اندیشه‌ها و مکان تصمیم‌گیری‌های مهم، ایجاد و تعیین شد، حتی برای در امان ماندن قداست این مکان و مشابه‌سازی مخالفان، با اندیشه ایجاد مسجد ضرار مقابله شد. (توبه/۱۰۷)

اشعار جاهلی که هجو و هزل بود و شعارهای جنگی در آن دوران که در وصف بت‌ها و حاوی اندیشه‌های خرافی بود، در صدر اسلام تبدیل به شعرهای با محتوای غنی و شعارها و رجزهایی شد که به نمایش تفکرات ناب اسلامی و توحیدی می‌پرداخت و نمونه آن در فتح مکه مشاهده شد که مسلمانان در پاسخ به شعار «أَعْلُ هُبْلُ أَعْلُ هُبْلُ»، شعار «اللَّهُ أَعْلَى وَ أَجَلُّ» و در پاسخ به شعار «لَنَا الْعَزَى وَ لَآ عَزَى لَكُمْ»، شعار «اللَّهُ مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَى لَكُمْ» را سر دادند. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷: ۲۵/۴)

## نتیجه‌گیری

این مقاله با عنایت به اینکه جهاد کبیر از جمله فرمان‌های فرهنگی قرآن کریم است که به عنوان مجموعه‌ای از راهکارهای قدرت نرم، قابلیت استفاده در عرصه فرهنگ را دارد، به پژوهش پیرامون فرهنگ و مؤلفه‌های آن، جهاد کبیر و نحوه

تسری و عمل به این جهاد در مؤلفه‌های چهارگانه فرهنگ پرداخت. آگاهی از راهکارهای قرآنی جهت اعتلای فرهنگ جوامع اسلامی کنونی با رویکرد جهاد کبیر، اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که برخوردهای متنوع قرآن با فرهنگ موجود جامعه، برای رعایت استقلال و اقتدار جامعه اسلامی در همه زمینه‌ها، به ویژه فرهنگ بوده است.

بررسی فرهنگ جامعه در عصر نزول قرآن مجید بر اساس گزاره‌های تاریخی موجود در متن کتاب الهی و چگونگی انجام جهاد کبیر، طبق دستورات خداوند سبحان، این نتیجه را آرایه داد که لازم است مجاهدان عرصه جهاد کبیر در عصر کنونی، باید با رهایی از هرگونه وابستگی و پیروی، فرهنگ مقاومت را در خود و جامعه نهادینه نمایند؛ در راه استخراج و طرح نظریات فرهنگی با توکل بر خداوند و اعتماد به تحقق وعده‌های الهی، تقوای پیشگی، خستگی‌ناپذیری و قاطعیت، استقامت کنند.

این نتیجه بر پایه اعتقاد به بازگشت مرجع ضمیر «ه» در آیه پنجاه و دوم سوره فرقان به «عدم اطاعت از کافران» حاصل شد.

## منابع

### کتاب‌ها

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، مکتبه نزار مصطفی الباز، ریاض: سوم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ ش)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان قم: چهارم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش)، الامالی، کتابچی، تهران: ششم.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۰۸ ق)، تاریخ ابن خلدون (دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصره من ذوی الشأن الأكبر)، تحقیق خلیل شحاده، دار الفکر، بیروت: دوم.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحریر و التنویر، مؤسسه التاریخ، بیروت.
۶. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۸. ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، البدايه و النهایه، دار الفکر، بیروت.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، دار صادر، بیروت: سوم.
۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۱. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، البحر المحیط فی التفسیر، دار الفکر، بیروت.
۱۲. انصاریان، حسین، (۱۳۸۳ ش)، ترجمه قرآن، انتشارات اسوه، قم.
۱۳. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۴. آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۷۴ ش)، ترجمه قرآن، انتشارات سروش، تهران: چهارم.
۱۵. البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷ ق)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، دار الفکر، بیروت.
۱۶. بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۱ ش)، همگام با وحی، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، تمهید، قم.
۱۷. جعفرزاده، محمدحسن، (بهار ۱۳۹۳ ش)، منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، ولاء منتظر (عج)، قم: پنجم.
۱۸. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۵ ش)، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران: دوم.
۱۹. جعفریان، رسول، (۱۳۸۲ ش)، تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم)، دلیل ما، قم: دوم.
۲۰. حسینی، سیده صدیقه، (۱۳۹۲ ش)، اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه‌ای (رسانه ملی و الگوها)، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، قم.
۲۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت.

۲۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۲ ش)، منطق تفسیر قرآن ۴، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، قم: چاپ دوم.
۲۴. زجاج، ابراهیم بن سری بن سهل، (۱۴۲۰ ق)، اعراب القرآن، دارالکتب المصری و دارالکتب اللبنانی، قاهره و بیروت: چهارم.
۲۵. زحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۱۸ ق)، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دار الفکر المعاصر، بیروت و دمشق: دوم.
۲۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۲۲ ق)، تفسیر الوسیط، دار الفکر، دمشق.
۲۷. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت: سوم.
۲۸. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۵ ش) فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بوستان کتاب قم، قم. (نسخه موجود در نرم افزار دانشنامه حج)
۲۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، (۱۴۰۶ ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، دار التعارف للمطبوعات، بیروت.
۳۰. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، (۱۴۱۲ ق)، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت و قاهره: هفدهم.
۳۱. شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق)، فتح القدیر، دار ابن کثیر و دار الکتب الطیب، دمشق و بیروت.
۳۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: پنجم.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: سوم.
۳۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت.
۳۵. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران: سوم.
۳۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم: چهارم.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، نشر هجرت، قم: دوم.
۳۸. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۸ ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۳۹. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، مؤسسه دار الهجرة، قم: دوم.
۴۰. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ششم.
۴۱. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ ش)، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۴۲. کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۱۰ ق)، تفسیر المعین، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۴۳. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۳۶ ش)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران: سوم.
۴۴. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۴۲۳ ق)، زبدة التفاسیر، بنیاد معارف اسلامی، قم.
۴۵. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، (۱۳۶۹ ش)، مواهب علیه، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، تهران.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران: چهارم.
۴۷. گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸ ق)، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت: دوم.

۴۸. ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۴۹. مشکینی، علی، (۱۳۸۱ ش)، ترجمه قرآن، الهادی، قم: دوم.
۵۰. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دار الکتب العلمیه و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، بیروت و قاهره و لندن: سوم.
۵۱. مظهری، محمد ثناءالله، (۱۴۱۲ ق)، التفسیر المظهری، مکتبه رشیدیہ، پاکستان.
۵۲. المقدسی، مطهر بن طاهر، (بی تا)، البدء و التاریخ، بور سعید، مکتبه الثقافه الدینیة، بی جا. (نسخه موجود در نرم افزار نور السیره ۲)
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۳ ش)، ترجمه قرآن، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم: دوم.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲ ش)، مثال‌های زیبای قرآن، نسل جوان، قم.
۵۶. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، (۱۴۰۶ ق)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد.
۵۷. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ ش)، کشف الأسرار و عدۀ الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران: پنجم.
۵۸. نجوانی، نعمت الله بن محمود، (۱۹۹۹ م)، الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه، دار رکابی للنشر، مصر.
۵۹. نسفی، عبد الله بن احمد، (۱۴۱۶ ق)، تفسیر النسفی (مدارک التنزیل و حقایق التاویل)، دار النفائس، بیروت.
۶۰. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، (۱۴۱۶ ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۶۱. واثقی‌راد، محمدحسین، (۱۳۸۷ ش)، سیره معصومین علیهم السلام، بعثه مقام معظم رهبری، معاونت امور روحانیون، قم. (نسخه موجود در نرم افزار دانشنامه حج)

## مقالات

۶۲. «درباره فلسفه فرهنگ»، رشاد، علی اکبر، زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰، راهبرد فرهنگ، سال سوم و سال چهارم، شماره دوازدهم و سیزدهم.
۶۳. «معنا و مفهوم فرهنگ عمومی در پرتو مفهوم جهان‌های ممکن»، گوهری‌پور، مرتضی، پاییز ۱۳۸۸، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره هفتم.
۶۴. «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی»، جعفری‌پناه، مهدی و میراحمدی، منصور، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، معرفت سیاسی، شماره هشتم.
۶۵. درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، نائینی، علی محمد، بهار ۱۳۸۹، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم.

## کتاب‌ها و مقالات الکترونیک و تارنماها

۶۶. احمدزاده کرمانی، محمد روح الله، «خلاصه فصل اول و دوم کتاب بازانديشي فرهنگ و رسانه»، ۲۲ آذر ۱۳۹۱، مندرج در نشانی:

<http://orasia-1.blogfa.com/post/8>

۶۷. اسلامي ندوشن، محمدعلي، فرهنگ و شبه فرهنگ.

۶۸. سامانه نشریات مؤسسه امام خمینی (ره) به نشانی:

[nashriyat.ir](http://nashriyat.ir)

۶۹. شریعتی، علی، (الف)، «فرهنگ و ایدئولوژی»، مجموعه آثار ۲۳ (جهان‌بینی و ایدئولوژی).

۷۰. شریعتی، علی، (ب)، «تمدن چیست؟»، مجموعه آثار ۱۱ (تاریخ تمدن ۱).

۷۱. شریعتی، علی، (ج)، «بحث کلی راجع به تمدن و فرهنگ»، مجموعه آثار ۱۱ (تاریخ تمدن ۱).

۷۲. فرهنگ معین در تارنمای جسجو به نشانی:

<http://www.jasjoo.com>

۷۳. کاشانی، سالار، «جامعه‌شناسی فرهنگ و بهگشت فرهنگی»، مندرج در نشانی

<http://www.anthropology.ir/article/18406.html>

۷۴. کاوه، محمد، «ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی»، ۲۳ شهریور ۱۳۹۲ مندرج در نشانی:

<http://rasekhoon.net/article/show/754881>

۷۵. کتابخانه دیجیتال قائمیه به نشانی:

<http://www.ghbook.ir>

۷۶. لغتنامه دهخدا در تارنمای جسجو به نشانی:

<http://www.parsi.wiki>

۷۷. هاشمی، سعید، نژاد اسماعیل زاده، مسعود، قوامی، علیرضا، «نظام اجتماعی کل و خرده نظام»، ۱۶ آذر ۱۳۹۱،

مندرج در نشانی:

<http://motaleat-ejtemaii.rozblog.com/post/۱۳>

## نرم افزارها

۷۸. جامع الاحادیث ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۷۹. جامع تفاسیر نور ۲/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۸۰. دانشنامه حج، لیبیک ۱، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۸۱. قاموس النور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۱ ش.

۸۲. نور السیره ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.